

## روایت شماره جدید «مردم نهاد» از «مرکز نیکوکاری رویش»، خیریه‌ای متفاوت با ایده‌هایی نو

# رویش جوانه‌های مهربانی



**بهاره موفقى** - «رویش» مهربانی از جایی جوانه می‌زند که با یاری دست‌های کودک‌کی نیازمند، نظاره‌گر برق‌شادی از دریچه چشم‌هایش می‌شوی؛ چشم‌هایی که پس از رنج‌های پیاپی، یک ذوق و شوق به اندازه تمام نداشتنه‌های زندگی در قاب معصومانه نگاهش جان می‌گیرد. «رویشی» که جوانه‌هایش از خریدن عروسک‌های میدان اعدام و توزیع آن در حاشیه شهر آغاز شد و تا کوچه پس

کوچه‌های روستای قرقی، تمام راه را سبز کرد. آری، صحبت از تشکّل «مرکز نیکوکاری رویش» است؛ یک تشکّل مردم‌نهاد با ایده‌هایی نو و خلاّقانه که حالا گرّه‌های بزرگ و کوچکی از زندگی نیازمندان مناطق مختلف شهر مشهد باز می‌کند، همان جایی که آرزوهای کودکان روی بر گه‌های نقاشی جان می‌گیرد و مهربانی خیرانش گاهی به نام یک شهید ثبت می‌شود، همان جایی که لذت

خرید را به دستان کودکان داد که حتی ذره‌ای از این لذت را نچشیده‌اند، همان جایی که پناهگاه کسانی شد که آشک‌ها و ماتم‌خود را بر در خانه امام مهربانی‌ها بردند و از در خانه شاه خراسان راهی دستان «رویش» شدند. همان جایی که مددجویانش پس از اجابت خواسته‌هایشان با یقین و ارادت خالصانه می‌گویند: «من به امام رضا (ع) گفته بودم...»

### من به امام رضا (ع) گفته بودم...

نمی‌دانم غصه چقدر اورا بی‌تاب کرده بود که راهی خانه امام مهربانی‌ها شده است تا در دش را امانی بدهد، نمی‌دانم آشک‌هایش چقدر بی‌صداروی گونه‌هایش روان شده است تا از غصه و ماتم‌هایی‌یابد، اما می‌دانم آن موقع که تیغ رنج‌زیر گلویش را فشار می‌داد، همه این‌ها را به امام رضا (ع) گفته بود، طوری که وقتی به هوش آمد، اولین دیالوگش این بود: «من به امام رضا (ع) گفته بودم...». این ماجرای یکی از مددجویان «رویش» است؛ مادری که برای هزینه‌های جهیزه دخترانش مستاصل شده بود و با دلی شکسته راهی خانه امام مهربانی‌ها شده بود. مگر می‌شود ناامید بر در خانه‌اش بروی و بادست خالی رهایت کند؟ نوید سروآزاد در روایت این ماجرا می‌گوید: «مادری آبرومند و تحت پوششش، دودختر داشت که این‌ها از دواج کرده بودند و نگران جهیزه‌شان بود. یک خیریه گفت ۱۹ سری جهیزه می‌دهم که جهیزه کاملی شامل یخچال، گاز، جاروبرقی و... بود. من دوسری از این جهیزه‌ها را برای تحویل به این خانواده به منزل آن‌ها ببردم. این مادر وقتی این دو وانت‌پرا وسایل را دید، جلوی در خانه از خوشحالی غش کرد. وقتی به هوش آمد و بلندشده با گفت که من به امام رضا (ع) گفته بودم، بابت این موضوع آن قدر نگران بودم که دیگر بریده بودم و گفتم امام رضا (ع) خودت برسان،» وقتی صحبت‌هایمان به این جامی رسد، سروآزاد ماجرای دیگر درباره‌ی توسل جستن مددجویان به امام رضا (ع) را روایت می‌کند و می‌گوید: خانمی که اهل سنت بود، از سیستان و بلوچستان با پنج فرزند به این‌جا آمده بود و فرزند او هم معلول بودند. یک روز از این خانم سوال کردم که آیا شما در همان شهر خود می‌مانی بهتر نبود؟ این خانم در پاسخ گفت که این‌جا آمد چون امام رضا (ع) هوای ما را دارد. این پاسخش برای من مالموس بود. شب که به خانه برگشتم عکس او و فرزند معلولش را در پیچ گذاشتم. شاید باور نکنید، اما به اندازه یک جهیزه برای این خانم لازم جور شد، طوری که دو روز بعد به خانه‌اش رفتم و خانه را فرش کردیم، گاز، یخچال، ماشین لباسشویی و... گذاشتم. سروآزاد با لبخند ادامه می‌دهد: گاهی بعضی‌ها را آتشان خیلی بیشتر از ماست. من آن‌جا منظور این خانم اهل سنت را نفهمیدم، اما گاهی برخی‌ها به این شهر می‌آیند که زیر چتر امام رضا (ع) باشند. این خانم هیچ چیزی در خانه نداشت و همه چیز برای او فراهم شد و خانه اش را کامل به او تحویل دادم.



نمایی از اجرای طرح لذت خرید برای کودکان حاشیه شهر

های نیازمندی که بر اساس الگوی مشخص انتخاب شده بودند را در سه دسته شخصیتی جای دادیم. دسته اول خانواده‌هایی که افراد معتاد دارند، دسته دوم خانواده‌هایی که مادر خانواده سرپرست خانوار است و دسته سوم خانواده‌هایی که پدر و مادر حضور دارند، اما مشکلات مالی دارند. به تدریج کمک‌ها را شروع کردیم و مجوز سازمان مردم‌نهاد گرفتیم. بعد از آن از طریق کمیته امداد نیز مجوز گرفتیم. در واقع مرکز نیکوکاری رویش فعالیت غیر رسمی خود را از سال ۱۳۹۵ و فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۹۶ آغاز کرد.

اصلاح طلب گرفته تا پزشک و جامعه‌شناس و کاسب همه را دعوت کردیم. می‌خواستیم کاری اصولی انجام دهیم. بعد از سه ماه جلسه به این نتیجه رسیدیم که همان محله قرقی را به عنوان پایلوت انتخاب کنیم و خانواده‌های هدف را بر اساس یک الگو انتخاب کنیم و در کنار هم با استادان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... برای آن‌ها برنامه‌ریزی کردیم. پس از آن دانشجویان را به آن‌جا بردم و فرم‌هایی سه صفحه‌ای در دست کردیم که داستان‌های زندگی، مشکلات، ضعف‌ها و قوت‌ها و... را بر اساس آیت‌های علمی جمع‌آوری کردیم. خانواده

### نیامدیم که فقط غذا بدهیم...

این افراد تغییر کنند. اسم کتاب‌سرای ما هم کتاب‌سرای «حاج قاسم سلیمانی» است. علاوه بر این هر ماه پایش در میان داریم. خانواده‌های نیازمند به درمان را به پزشک معرفی می‌کنیم و صفر تا صد هزینه‌های درمان آن‌ها را پرداخت می‌کنیم. هزینه‌های تحصیل بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ دانش‌آموز را پرداخت می‌کنیم. پیگیر شناسنامه و هویت افراد بودیم. در این ۵ سالی که در این منطقه هستیم تاکنون ۷۰ زوج را به خانه بخت فرستادیم و ۳۵ مورد هم سیستمی دادیم. تقریباً ۴۰۰ خانواده که شامل ۳ هزار نفر در محله قرقی مشهد هستند را تحت پوشش داریم. میزان مددجویان مان را نه افزایش و نه کاهش می‌دهیم. سعی کردیم طوری انتخاب کنیم که با این افراد زندگی کنیم و آنها را به سمت توانمندسازی ببریم. مرکز نیکوکاری رویش ۷ عضو فعال و ۴۰ تا ۵۰ خیر ثابت دارد. هم چنین گروهی جهادی به نام گروه جهادی مدافع شهدای حرم و شهدای مسجدالجمود که هر هفته هزار پرس غذای با کیفیت برای این افراد طبخ می‌کنند و در ماه مبارک رمضان هر شب هزار پرس طبخ می‌شود نیز کنار ما هستند. اگر کوچکترین کاری انجام بدهیم و حتی ۱۰۰ هزار تومان از خیری کمک بگیریم، به خیر بار آن‌ها فاکتور کامل

این جادیار مهربانی‌ها آن قدر بلند است که سقف آرزوهای کودکان نیازمند را با یک نقاشی می‌سازند؛ آن‌هم رنگی. روایت‌های نوید سروآزاد از فعالیت‌های «مرکز نیکوکاری رویش» شنیدنی است، از آن کارهای خلاّقانه‌ای که لبخندی از تل‌دل را روی صورت کودکان می‌نشانند. «نقاشی آرزوها» یکی از همین موارد است که درباره آن می‌گوید: ما تمرکزمان را روی کودکان گذاشتیم. برنامه‌هایی برای کودکان با عنوان «نقاشی آرزوها» طراحی کردیم تا آرزوهایشان را نقاشی کنند که تا حد ممکن برای آن‌ها فراهم کنیم. آن‌ها را به باغ، سینما و تئاتر می‌بریم. در این ۵ سال اخیر نگذاشته‌ایم بچه‌ها به خاطر هزینه‌ها از تحصیل بازمانند. نیامده‌ایم که فقط غذا بدهیم. مادر قبال کار، کمک کردیم و آن کار را کتاب خواندن تعریف کردیم. به این صورت که هر کس ساعات بیشتری را مطالعه کرده باشد، کمک‌های بیشتری را دریافت می‌کند. خانواده‌های تحت پوشش مرکز ما وکیل، روانشناس، دندانپزشک و... دارند و این خدمات را به افرادی که مطالعه داشتند، ارائه می‌دهیم. این کار باعث می‌شد بعد از مدتی سبک زندگی و رفتار

### نذرهایی به نام یک شهید

«مرکز نیکوکاری رویش» علاوه بر اقداماتی که خودش پایه‌ریزی و اجرایی کند، پذیرای خیرانی است که مهربانی دست‌هایشان راهی خانه‌نیامندان می‌شود؛ خیرانی از قشر هر و طبقات متفاوت جامعه، اما با دل‌هایی شبیه به هم؛ دریایی و بزرگ. نوید سروآزاد درباره برخی از خیران این مجموعه می‌گوید: هر کسی که می‌خواهد به مجموعه ما کمک کند، دستش را می‌گیرم و به این خانه‌هایم می‌برم تا شرایط مددجویان را از نزدیک ببیند. یک روز خانمی شیک‌پوش و با ظاهری متفاوت به خیریه ما آمد و برای بچه‌ها چیزی آورد، این خانم در هر دیدار خودش بچه‌ها را مورد نوازش و محبت خود قرار می‌داد. روزی یکی از کودکان مجموعه تحت پوشش درباره این خانم به من گفت که عمو خاله کی می‌آید؟ چون مثل مامان نیست. من این جمله را به این خانم گفتم. این خانم با شنیدن این جمله به قدری متحول شد که از آن موقع هر وقت به خیریه می‌آید، با حجاب کامل می‌آید و کلامت تحول شد. او ادامه می‌دهد: یکی دیگر از خیرین ما، خانمی هست که حجاب چندانی ندارد، اما هر بار که کمک می‌کند، از ما می‌خواهد که بگوید از طرف شهید «ابراهیم هادی»...

#### خانه دار کردن یکی از نیازمندان حاشیه شهر



### این‌جا خانه تشکّل هاست

این صفحه خانه تشکّل هاست؛ خانه‌ای که روایتگر تلاش‌های ویژه و متفاوت قشرهای مختلف مردم در گذران زندگی و همراهی با مردم شریف این مرز و بوم است. از کارهای خلاّقانه دانش بنیان گرفته

تا تشکّل‌های اقتصادی، هنری، اجتماعی و... اگر کاری که در تشکّل تان انجام می‌دهید متفاوت و خاص است، این‌جا برای بیان تجربه و روایت اقدامات شماست. نام تشکّل، توضیح مختصری از فعالیت و شماره تماس خود را در پیامکی که شروعش عنوان «مردم نهاد» است، بنویسید و برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹۰۰ ارسال کنید تا روایتگر تلاش‌های شما باشیم.